



وزارت آموزش و پرورش

اداره کل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری

اداره آموزش و پرورش شهرستان خانمیرزا

درسنامه عربی

پایه : هشتم

درس: پنجم

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

اداره آموزش و پرورش شهرستان خانمیرزا
درسنامه عربی درس پنجم (پایه ی هشتم)
تهیه کننده: سجاد اسدی دومی

المصداقة: راستی

«أُسْرِين» طالِبَةٌ فِي الصَّفِّ الثَّانِي الْمُتَوَسِّطِ. أُسْرِين دَانِش آموز کلاس دوم متوسطه است.

هِيَ جَاءَتْ مِنْ «سَنْدَج» إِلَى «طهران». او از سَنَدَج به تهران آمده است.
هِيَ طالِبَةٌ جَدِيدَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ اودانش آموز جدیدی در مدرسه است.

وَبَقِيَتْ مُدَّةَ أُسْبُوعَيْنِ وَحِيدَةٍ. و مدت دو هفته تنها باقی ماند.

«فِي الْأُسْبُوعِ الثَّالِثِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ جَاءَتْ إِلَيْهَا إِحْدَى زَمِيلَاتِهَا بِاسْمِ «آيلار»

در هفته سوم در روز شنبه یکی از هم کلاسی هایش به نام آيلار به نزدش آمد.

وَبَدَأَتْ بِالْحِوَارِ مَعَهَا فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. و در حیاط مدرسه با او شروع به گفتگو کرد

«الْحِوَارُ بَيْنَ الطَّالِبَتَيْنِ «آيلار» وَ «أُسْرِين»

گفتگو میان دو دانش آموز (آيلار

و أُسْرِين)

كَيْفَ حَالُكَ؟ - الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟ -

-حالت چطور است؟ - خدارا سپاس؛ خوبم. و تو چطوری؟

أَنَا بَخِيرٌ. مَا اسْمُكَ؟ - اسْمِي أُسْرِينُ. -

من خوبم. نام تو چیست؟ - نام من أُسْرِين است

اسْمٌ جَمِيلٌ. مَا مَعْنَاهُ؟ - «أُسْرِين» بِالْكَرْدِيَّةِ بِمَعْنَى الدَّمْعِ. وَمَا اسْمُكَ؟ -

نام زیبایی است معنای آن چیست؟ - أُسْرِين به کردی به معنای اشک است و نام تو -
چیست؟

اسْمِي آيَلَارُ. - مَا مَعْنَى اسْمِكَ؟ اسْمٌ مِنْ آيَلَارِ اسْت. - معنی اسم تو چیست؟ -

آيَلَارُ بِالْأَرْمَنِيَّةِ بِمَعْنَى الْأَقْمَارِ. - اسْمٌ جَمِيلٌ جِدًّا وَمَعْنَاهُ جَمِيلٌ أَيْضًا -

آيلار به ترکی یعنی ماه ها - نام بسیار زیبایی است و همچنین معنای آن زیباست -

مِنْ أَى مَدِينَةٍ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنْ سَنْدَج. أَنْتَ مِنْ طَهْرَانِ؟ -

(از کدام شهر هستی؟ - من از سنج هستم. آیا تو از تهرانی؟ (تهرانی هستی؟

لَا؛ أَنَا مِنْ تَبْرِيزٍ وَ سَاكِنُهُ هُنَا. - فَأَنْتَ مِثْلِي أَيْضًا. -

خیر؛ من از تبریز هستم (تبریزی) و ساکن اینجا هستم - پس تو نیز مانند من هستی

لِمَاذَا جِئْتُمْ إِلَى طَهْرَانِ؟ - لِأَنَّ وَالِدِي فِي مُهِمَّةٍ إداريَّةٍ. -

برای چه به تهران آمده اید؟ - زیرا پدرم در ماموریت اداری است

كَمْ سَنَةً مُهِمَّةُ وَالِدِكَ؟ - سَتَيْنِ. ماموریت پدرت چند سال است؟ - دوسال -

أَيْنَ يَتُكَّمُ؟ - فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ. خانه شما کجاست؟ - در میدان خراسان -

عَجَبًا. بَيْنَمَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ. - أَتَصَدِّقِينَ؟! -

!شگفت است. خانه ما در همان جاست - آیا راست می گوئی؟

نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ؛ مَتَى جِئْتُمْ؟ - جِئْنَا قَبْلَ شَهْرٍ. -

بله؛ البته؛ کی آمده اید؟ - یک ماه پیش آمده ایم

فَنَحْنُ جَارَتَانِ وَ زَمِيلَتَانِ. - فَكَيْفَ مَا رَأَيْتُكِ حَتَّى الْآنَ؟ -

پس ما دو همسایه و دو هم کلاسی هستیم. - پس چطور تا الان تو را ندیده ام؟

عَجِيبٌ. مَا مِهْنَةُ أَبِيكَ؟ - هُوَ مُهَنْدِسٌ. -

عجیب است. شغل پدرت چیست؟ - او مهندس است

هَلْ تَأْتِينَ إِلَى بَيْتِنَا؟ - بَكْلٌ سُرُورٍ. آيَابَهُ خَانَهُ مَانَ مِي آيِي؟ - بَا كَمَالِ مِيلِ.

مَتَى؟ - بَعْدَمَا يَسْمَحُ لِي وَالِدِي وَ تَقْبَلُ وَالِدَتِي. کی؟ - -

بعد از اینکه پدرم اجازه بدهد و مادرم قبول کند

وَهَلْ يَأْتِي أَبُوكَ؟ وَ هَلْ تَأْتِي أُمُّكَ؟ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ. سَأَسْأَلُهُمَا -

و آیا پدرت می آید؟ و آیا مادرت می آید؟ - اگر خدا بخواهد. از ایشان سؤال خواهم کرد

..الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ. الْأَمَامُ عَلَى (ع) غَرِيبٌ كَسِي است که دوستی ندارد

.



هَذِهِ الزَّرَاقَةُ تَشْرَبُ الْمَاءَ.



هَذَا الْعَصْفُورُ يَشْرَبُ الْمَاءَ.

این گنجشک، آب می نوشد. این زرافه، آب می نوشد.



تَحْنُ نَحْمَلُ فِي الْمُخْتَبَرِ.

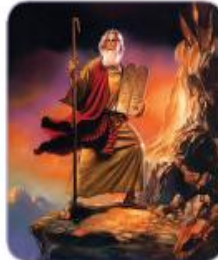
ما در آزمایشگاه کار می کنیم.



تَحْنُ نَلْعَبُ كُرَةَ الْقَدَمِ.

ما فوتبال بازی می کنیم.

فَن تَرْجَمَهُ



حرف «ما» دو کاربرد دارد:

«ما» برای منفی کردن فعل ماضی:

مانند: ﴿مَا سَمِعْنَا﴾: نشنیدیم المؤمنون ۲۴

«ما» به معنای «چيست؟»:

مانند: ﴿مَا تِلْكَ يَمِينُكَ يَا مُوسَى﴾ طه ۱۷

ای موسی، آن چیست در دست راستت؟

اکنون این جمله ها را ترجمه کنید.

(ما) به آنان ستم نکردیم ولی (آن ها) به خودشان ستم کردند .

﴿ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ﴾ مود

ما ذلِكَ الشَّيْءِ فِي يَدِكَ؟ **آن چیست (که) در دست توست ؟**

التمارين

التَّحْقِيقُ الْأَوَّلُ

با توجه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لِمَاذَا جَاءَتْ أُسْرَةُ أُسْرِينَ إِلَى طَهْرَانَ؟ ☒ لِمَهْمَةٍ إداريَّةٍ ☐ لِمُعَالَجَةِ بَنْتِهِمْ
۲. كَمْ أُسْبُوعاً بَقِيََتْ أُسْرِينَ وَحِيدَةً؟ ☐ أُسْبُوعاً وَاحِداً ☒ أُسْبُوعَيْنِ
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ أُسْرِينَ؟ ☐ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ ☒ فِي الصَّفِّ الثَّانِي
۴. أَيْنَ بَيْتُ أُسْرِينَ وَ آيلار؟ ☒ فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ ☐ خَلْفَ الْمَدْرَسَةِ
۵. هَلْ أُسْرِينَ مِنْ تَبْرِيز؟ ☐ نَعَمْ؛ هِيَ تَبْرِيزِيَّةٌ ☒ لَا؛ هِيَ سَنَنْدُجِيَّةٌ

۱- خانواده اسرین برای چه به تهران آمدند؟ **برای مأموریت اداری** برای معالجه دخترشان

۲- چند هفته اسرین تنها ماند؟ **یک هفته** **دو هفته**

۳- اسرین در کدام کلاس بود؟ **در کلاس اول** **در کلاس دوم**

۴- خانه اسرین و آیلار کجا بود؟ **در میدان خراسان** **پشت مدرسه**

۵- آیا اسرین تبریزی بود؟ **بله؛ او تبریزی بود** **نه؛ او ساندجی بود**

التَّحْرِيكُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ.

نَحْنُ نَصْعَدُ الْجَبَلَ.

ما به خانه می رویم. ما از کوه بالا می رویم.

التَّحْرِيكُ الثَّالِثُ

● کدام کلمه با دیگر کلمه‌ها از نظر معنا ناهم‌هنگ است؟

- | | | | |
|---------------|---|---|--|
| ۱. يَدٌ | ☐ عَيْنٌ | ☐ وَجْهٌ | جاء ☒ درست |
| ۲. سَمَكَةٌ | ☒ سَاحَةٌ | ☐ شَارِعٌ | طريق ☐ ماهی |
| ۳. أُسْبُوعٌ | ☒ خُبْرٌ | ☐ شَهْرٌ | سَنَةٌ ☐ هفته |
| ۴. بَقَرَةٌ | ☐ قَرَسٌ | ☒ مِهْنَةٌ | عَرَابٌ ☐ گاو |
| ۵. تَجَارٌ | ☐ حَلَوَاتِيٌّ | ☐ سَائِقٌ | رِيَاضَةٌ ☒ نَبَار |
| ۶. بَابٌ | ☐ نَافِذَةٌ | ☒ رِسَالَةٌ | جِدَارٌ ☐ در |
| ۷. تَفَاحٌ | ☒ اِبْتِسَامٌ | ☐ عِنَبٌ | رُؤْمَانٌ ☐ سیب |
| ۸. الْفِطَّةُ | ☒ السَّبْتُ | ☐ الثَّلَاثَاءُ | الْخَمِيسُ ☐ نقره |

پشم	صورت	همسایه
میدان	خیابان	راه
تان	ماه	سال
اسب	شغل	کلاغ
شیرینی فروش	راننده	ورزش
نمبره	نامه	دیوار
گبفند	انگور	آثار
شنبه	سه شنبه	پنج شنبه

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

شغل = **آمد** **باغ ها** **آینده گذشته**
مِهْنَت = **شغل** **آتى** = **جاء** **بساتين** = **حدائق** **قادم** ≠ **ماضي** **بيع** ≠ **فروش**
خرید = **شراء** **يُضَدِّقُ** ≠ **يَكْذِبُ** **شاهد** = **رأي**
راست می گوید **دروغ می گوید**

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● ترجمه کنید:

۱. أَنَا ذَهَبْتُ أَمْسٍ وَأَنْتَ تَذْهَبُ غَدًا.
من دیروز (به مزرعه) رفتم و تو فردا می روی .
۲. أَنْتِ رَجَعْتِ قَبْلَ سَاعَةٍ وَنَحْنُ سَرَجِعُ بَعْدَ سَاعَةٍ.
تو ساعتی پیش برگشتی و ما یک ساعت بعد بر خواهیم گشت .
۳. الْجَاهِلُ يَكْذِبُ وَالْعَاقِلُ لَا يَكْذِبُ.
نادان دروغ می گوید (اما) عاقل دروغ نمی گوید .
۴. وَالَّذِي سَتَطْبُخُ طَعَامًا لَدَيْنَا وَنَحْنُ سَوْفَ نَأْكُلُهُ.
مادر من غذایی خوشمزه خواهد پخت و ما آن را خواهیم خورد .

● گفت وگو با زبان قرآن در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

۱- مدرسه تو کجاست؟ فی شارع تختی

۲- اسم معلم تو چیست؟ السید حسینی

۳- آیا توفیق هستی؟ نَعَمْ أَنَا قَوِيٌّ

۴- دوست من چند سالته؟ الخَامِسَ عَشَرَ

۱. أَيْنَ مَدْرَسَتُكَ؟	أَيْنَ مَدْرَسَتُكَ؟
۲. مَا اسْمُ مُعَلِّمِكَ؟	مَا اسْمُ مُعَلِّمِكَ؟
۳. هَلْ أَنْتَ قَوِيٌّ؟	هَلْ أَنْتَ قَوِيٌّ؟
۴. كَمْ عُمْرُكَ يَا صَدِيقِي؟	كَمْ عُمْرُكَ يَا صَدِيقِي؟
۵. أَيْنَ تَلْعَبُ؟	أَيْنَ تَلْعَبُ؟

کجا بازی می کنی؟ فی ساحة بيتی .

ساختار درس دوم تا پنجم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أَنَا أَعْرِفُ.	من می شناسم.	نَحْنُ نَعْرِفُ.	ما می شناسیم.
أَنْتَ تَعْرِفُ.	تو می شناسی.	دَرْس ۵ و ۶	شما می شناسید.
أَنْتَ تَعْرِفِينَ.	او می شناسد.	دَرْس ۷ و ۸	آنها می شناسند.
هُوَ يَعْرِفُ.			
هِيَ تَعْرِفُ.			

مهم

کَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رسول الله ﷺ
داناترین مردم کسی است که دانش مردم را در کنار دانش خود گرد آورد .

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ. رسول الله ﷺ
دانش، گنجینه هایی است و کلید آن پرسیدن است .

الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ. رسول الله ﷺ
دانشمندان، چراغ های زمین هستند .

الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. الإمام علي عليه السلام
دانش بهتر از مال است . (زیرا) دانش از تو پاسبانی می کند ولی تو از مال .

إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نُورُ الْأَبْصَارِ. الإمام علي عليه السلام
براستی دانش زنده کننده ی دل هاست و نور و روشنی (بخش) دیره ها .

تحقیق کنید و درباره معنا و ریشه نام خود بنویسید.